

تصویری بهنگام و حقیقی از کار شاعر

سایه اقتصادی نیا

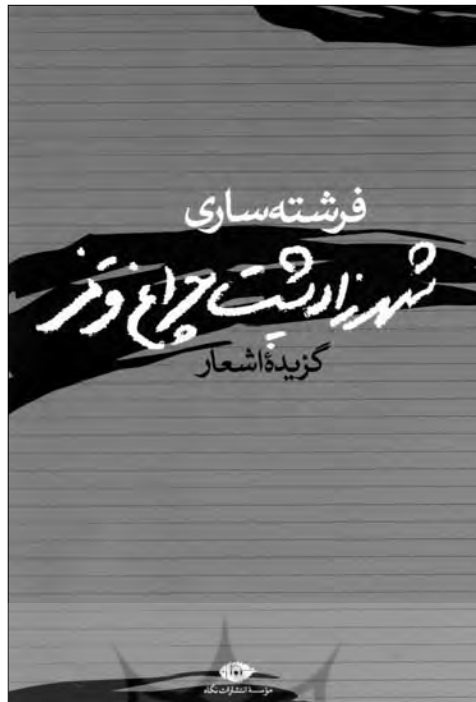
پیشین شاعر تجدید چاپ نشده و عملاً نایاب بودند. به علاوه، ساری پس از بیست سال فعالیت ادبی [نخستین دفترش، پژواک سکوت، در ۱۳۶۶ منتشر شده است] در جایگاهی متناسب با کیفیت و کمیت آثار ادبی خویش ایستاده است. موقعیتی درخور؛ نه فراتر و نه فروتر. و انتشار گزیده‌ای از اشعار بیست سال گذشته می‌تواند تصویری حقیقی از زیروبم کار شاعری او پیش روی مخاطبان ترسیم کند.

هر چه در اشعار قدیم‌تر شاعر نزدیکی با طبیعت و دل‌بستگی به آن محسوس است، در اشعار تازه‌تر پیوند ناگزیر شاعر با شهر و مظاهر زندگی شهری آشکار می‌شود. در دفترهای پیشین، حضور طبیعت با وام گرفتن از عناصری چون دریا و برگ و خاک و پرندگان، بر فضای کلی اشعار غلبه دارد. البته رویکرد شاعر به طبیعت هرگز رمانتیک نیست، بلکه می‌کوشد پاسخ پرسشهای بنیادین خویش دربارهٔ چیستی حیات، چرایی مرگ و به طور کلی راز آمیزی هستی را در طبیعت جست و جو کند:

کسی می‌داند آیا
آبرنگ خاک بر بوم هوا نقش می‌زند
یا گلها خود به دانش رنگ آگاه‌اند
زیبایی به راز آدمی پی‌برده
یا خود راز آدمی است زیبایی؟
...
آدمیان
از نژاد فاخته و گلدان و رنگها هستند
و هرگز
کسی به رازشان پی نمی‌برد.

(«فاخته و گلدان»، ص ۳۱)

اما اشعار جدیدتر مظهر غوطه‌ور شدن شاعر - انسان - در مکانیسم زندگی مدرن شهری است [تسلط عناصر زندگی شهری بر فضای داستانی معاصر نیز مشهود است. رمانهای امروز نیز اغلب در فضاهای شهری، کافه‌ها، تاکسی‌ها و اداره‌ها می‌گذرند]. حضور قاطعانهٔ صنعت، توربین‌ها، تیرهای چراغ برق، نیروگاه هسته‌ای،



شهرزاد پشت چراغ قرمز. فرشته ساری. تهران: نگاه، ۱۳۸۷. ۲۳۲ ص. ۳۲۰۰۰ ریال.

پس از حدود دو دهه شاعری، گزیدهٔ اشعار فرشته ساری با عنوان شهرزاد پشت چراغ قرمز راهی بازار کتاب شده است. برای کسانی که در طول این دو دهه، مسیر شعری فرشته ساری را پی گرفته‌اند، حدود یک پنجم حجم کتاب تازه است: گزیده‌ای از «اشعار سالهای مختلف» و گزیده‌ای از دفتر «یکی از ما باید به او

می‌گفت»، که هنوز چاپ نشده است. به علاوه، ساری مقدمه‌ای با عنوان «اندکی از خودم» به کتاب افزوده است که در آن چشم اندازی دقیق از روند انتشار دفترهای شعر و داستان، و به طور کلی، کارنامهٔ ادبی خویش را پیش روی مخاطب می‌نهد.

گزیدهٔ اشعار، اگر به موقع و بنا به ضرورت منتشر شود، هم برای شاعر و هم برای مخاطب پرفایده است. قید «به موقع» خصوصاً باید مورد توجه شاعران جوان قرار گیرد. چاپ گزیدهٔ اشعار، بلافاصله پس از انتشار دو - سه دفتر شعر به نسبت موفق توجیهی ندارد. برای انتشار گزیده هم، مانند یک دفتر شعر مستقل، باید زمان و موقعیت را در نظر داشت. شاعری که هنوز به نیمهٔ راه پر افت و خیز شاعری نیز نرسیده است و به علاوه، مجموعه‌های شعرش به راحتی در دسترس مخاطبان قرار دارد، یا حجم دفترهایش شمار زیادی شعر را در بر نمی‌گیرد، لزومی ندارد اشعارش را برای کتاب دیگری گزینش کند. برای چاپ گزیده باید دلیلی در میان باشد: نایاب بودن مجموعه‌های پیشین، حجم و تنوع چشمگیر اشعار، و مقدم بر اینها، رسیدن به جایگاه و موقعیتی نسبتاً تثبیت شده و شناخته شده در عرصهٔ شعر. تنها در این صورت است که شاعر می‌تواند سلیقه و شناخت نهایی خویش از شعرش را، با سرنزد و انتخاب اشعار و چیندن آنها در مجموعه‌ای نو، برای مخاطبان بازگو کند. گزیده‌سازی، برای هر شاعری، به نوعی بازنگری در کارنامهٔ خویش نیز هست چرا که هر شعری که با معیارهای امروزی شاعر تأیید یا حذف می‌شود در معرفتی ذوق و سلیقه و داوری نهایی شاعر به مخاطبان نقش دارد.

به این ترتیب، بی‌تردید شهرزاد پشت چراغ قرمز، گزیده‌ای است که سروقت منتشر شده است: در سالهای گذشته، دفترهای

مترو، کامپیوتر و... آزدگی شاعر از دخالت انسان ویرانگر در تمام عرصه‌های زیست را یادآوری می‌کنند:

... در شبکه‌های خبری
در خبرهای فوری
مأموران نقاب‌پوش
به جان پرنده‌ها افتاده‌اند با چماق
زنده زنده می‌سوزانند
پرنده‌ها را
در گودالهای آتش و آهک
بی‌زیرنویس شقاوت...

(«آنفولانزای مرغی»، ص ۲۲۱)

اما لحن شاعر، همچنان که در اشعار قدیم‌تر، آرام و خونسرد است. این لحن بی‌تلاطم، با پرهیز از پیچیدگی‌های زبانی، به دور درونمایه‌های غالب اشعار او می‌پیچد و با آن می‌آمیزد. درونمایه‌هایی چون تنهایی، ملال، مرگ، و بعدتر جنگ و عشق، که به تدریج به تم‌های اصلی دفترهای شاعر تبدیل می‌شوند. مضمون «جنگ» در **قاب‌های بی‌تمثال** (۱۳۶۸) و «عشق» در **ترتیب عشق و جمهوری زمستان** (۱۳۷۲) برجسته و شاخص می‌شود. لحن آرام شاعر، حتی در اشعاری که تم اصلی آنها جنگ است نیز جاری است. نگاه شاعر به جنگ، پیش از آنکه میهن‌پرستانه، ایدئولوژیک، قهرمان‌پرورانه، یا عصبی و پرخاشگر باشد، نگاهی است بشردوستانه و انسانی. نگاهی که به قربانیان هر دو سوی هر جنگی معطوف است و فاجعه را در ابعادی بزرگتر قاب می‌گیرد. این طرز نگریستن به فاجعه جنگ و پیامدهای ویرانگر آن، اتفاقاً در اشعاری که در سرزمین ما تحت عنوان شعر جنگ سروده شده‌اند غالباً غایب است (وارد بحث ماهوی اصطلاحات ادبیات جنگ، دفاع مقدس، مقاومت، پایداری و جز آن نمی‌شوم). شعر جنگ در پهنه ادبیات ما، همواره در محدوده اعتقادات و باورهای سراینده‌گان سروده شده و نتوانسته به جریان بزرگتر شعر جنگ در مقیاسی فرامرزی بیبندد. اما شعر ساری، محدود به زمانه و جغرافیای ما نیست و تنها در پی آن است که این فاجعه را تقبیح کند و پیامدهای آن را پیش چشم کشد:

می‌گویند جنگ تمام شده
باقی سربازان به خانه‌هاشان بازگشته‌اند
می‌گویند پرنده‌ها لانه‌ها برپا کرده‌اند
برفراز نبرد افزارهای رها شده در دشت
پس چرا از آرامش صلح
هنوز خبری نرسیده است
به جاده‌های مین رویی نشده
در سرزمین وجود من؟

(«می‌گویند»، ص ۱۵۹)

مضمون «عشق» نیز، که بیشتر آن را از مضامین غالب **ترتیب عشق و جمهوری زمستان** بر شمردیم، در دفترهای پیشین شاعر

نمودارتر است. در اشعار تازه، حرف عشق و رزونیا‌های عاشقانه کم‌اند و تقریباً هیچ شعر عاشقانه‌ای در میان آنها وجود ندارد. این اشعار، به جای خطاب به «تو»، خطاب به گروه مخاطبان سروده شده است و به جای سخنان شخصی، پیامهای کلی می‌فرستد و از دورنمای موقعیتها، توصیفهای کلی به دست می‌دهد. در حالی که مرور همین گزیده نشان می‌دهد که شاعر بخشی از حیات ادبی خود را با سرودن عاشقانه‌هایی سپری کرده است که بعضاً از جمله نمونه‌های موفق شعرهای اویند. از این میان قطعات «بی‌گاهان»، «چهارفصل»، «ساعت موعود» و «مثل یک روز» مثال زدنی‌اند.

در مجموع می‌توان گفت که مخاطب آشنا با اشعار ساری، پس از خواندن اشعار تازه، در فضایی جدید و بیگانه با تجربه‌های پیشین قرار می‌گیرد. فضایی که باید دید آیا شاعر در آن ماندگار خواهد بود یا صرفاً دوره‌ای از حیات ادبی خویش را در آن می‌گذراند و سپس از آن عبور خواهد کرد. باید منتظر آخرین دفتر آماده چاپ شاعر ماند: «یکی از ما باید به او می‌گفت»، که شامل شعرهای سالهای ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ فرشته ساری است.

جاده کتاب

از مجموعه «هزارتوی نوشتن» منتشر کرده است:

تا روشنایی بنویس!

احمد اخوت

§

کتاب من و دیگری

احمد اخوت

● پخش گزیده (۶۶۴۰۰۹۸۷) ● پخش سرزمین (۶۶۹۶۷۰۰۷)
● پخش پیام امروز (۶۶۴۹۱۸۸۷)